

## Analysis of diplomatic situations and practical reactions of Iran regarding the Islamic Emirate of Afghanistan based on national and international laws

- Javad Ranjbarzadeh** | A.M, International Law, Payam Noor University- Tehran, Iran  
Email: r۹۱۷۱۷۰۹۶۸۶@gmail.com
- Askar Jalalian** | Associate Professor of Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran  
Email: dr\_ajalalian@yahoo.com
- Khodadad Khodadadi Dashtaki** | Associate Professor of Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran  
Email: khodadadi.kh@pnu.ac.ir
- Abdul Rasool Kaveh Fard** | PhD student, Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Tehran – Iran  
Email: kaveh۱۸۵۶@yahoo.com

Received: ۲۰۲۳-۱۰-۲۱

Accepted: ۲۰۲۳-۱۲-۲۹



### Abstract

The aim of this paper was to investigate the recent military conflicts between Iran and the group known as the Taliban, who after gaining power in Afghanistan with the defeat of Ashraf Ghani's government (As the official and legal government of Afghanistan), formed a government against them and introduced themselves under the title of the Islamic Emirate of Afghanistan. In addition a brief review of the records of political relations between these two countries before and after the formation of the new political-military power there, especially in the security, social, cultural and economic fields, as well as analyzing the existing political and military conditions and the experience of ideological, political and the military of this group, assuming two cases of adopting hard military measures against their border aggression by the Islamic Republic of Iran or using some soft diplomacy methods including adopting some economic policies against that group which includes rigid economic sanctions, it will have positive and negative effects.

Journal of Research and Development in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research Institute

Vol. ۶ | No. ۲۱ | Winter ۲۰۲۳  
(Original Article)

[www.jcl.illrc.ac.ir](http://www.jcl.illrc.ac.ir)

DOI:

[10.22034/LAW.2023.2014030512764](https://doi.org/10.22034/LAW.2023.2014030512764)

Let's discuss each of the two issues and determine the most desirable option among them. If, during the existence of the legal government in that country and considering the relations they had with the western countries, especially the United States, access to the foreign exchange market of Herat, Kabul, etc., to provide the currency needed by Iran, opening the borders and establishing commercial relations with Afghans could have been to some extent to untie the knot and provide a part of the country's needed foreign currency, but today, such a benefit is no longer conceivable for Iran, and perhaps the only damage of this action is the consequence of the stagnation of the local economy in the border points and crossings in the east of the country, which due to the existence of alternative jobs in the country And the fact that the economic sanctions of countries against each other are never permanent, it can be compensated for the Islamic Republic even in these sanctions conditions, considering that they are not large in size and extent. Since the Islamic Emirate currently does not have the conditions of an official government from the international point of view, with which other governments and large transnational and multinational companies can have useful economic cooperation, for the Taliban leaders, the loss of financial-commercial relations with Iran and the closing of Iran's borders It will be very expensive for the needs of that country, as they are willing, in order to establish trade relations and meet the needs of the Afghan people, they will engage in useful and constructive political-economic cooperation with Iran.

***Keywords:** Diplomacy, Territory Security, International Law, Taliban, Islamic Emirate of Afghanistan.*

# واکاوی وضعیت‌های دیپلماسی و واکنش‌های عملی ایران در مورد امارت اسلامی افغانستان بر اساس حقوق ملی و بین‌المللی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
Email: r9171709686@gmail.com

جواد رنجبرزاده

دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
Email: dr\_ajalalian@yahoo.com

عسکر جلالیان

استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
Email: khodadadi.kh@pnu.ac.ir

خداداد خدادادی دشتکی

دانشجوی دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران - ایران

عبدالرسول کاوه فرد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸  
yahoocom@Email: kaveh1856

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی  
بژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۶ | شماره ۲۱ | زمستان ۱۴۰۲  
(مقاله پژوهشی)  
www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:  
10.22034/LAW.2023.2014.35,1264

## چکیده

در این نوشتار تلاش بر این است، با امعان‌نظر به درگیری‌های اخیر نظامی میان ایران و گروه موسوم به طالبان که پس از قدرت‌گرفتن در افغانستان با هزیمت دولت اشرف غنی در مقابلشان تشکیل حکومت داده و خود را با عنوانهیتت‌امارت اسلامی افغانستان معرفی می‌نمایند، ضمن بررسی جزئی پیشینه ارتباطات سیاسی این دو کشور پیش و پس از شکل‌گیری قدرت سیاسی - نظامی جدید در آن کشور به‌ویژه در حوزه‌های امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به‌ویژه با واکاوی شرایط سیاسی و نظامی موجود، همین‌طور تجربه رفتارهای ایدئولوژیکی، سیاسی و نظامی این گروه، با فرض گرفتن دو حالت اتخاذ تدابیر سخت‌افزاری نظامی علیه تجاوزهای مرزی آنها به وسیله جمهوری اسلامی ایران و یا به‌کارگیری برخی شیوه‌های نرم دیپلماسی از جمله اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی علیه آن گروه که در برگیرنده تحریم‌های سفت‌وسخت اقتصادی نیز می‌شود، با واکاوی موضوع و انجام تحقیقات کتابخانه‌ای، به تأثیرات مثبت و منفی هر یک از دو موضوع پرداخته و مطلوب‌ترین گزینه را از میان آن دو مشخص نماییم.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی، طالبان، امارت اسلامی افغانستان، حقوق بین‌المللی.

## مقدمه

جوامع بشری از آغاز نخستین تمدن‌ها و تشکیل دولت - شهرها تا استقرار امپراتوری‌های بزرگ و رسیدن به دنیای شلوغ و پرهیاهوی امروزی که متشکل از قریب دویست دولت - کشور می‌شود، همواره نیازمند تعامل و ارتباط با یکدیگر بوده‌اند. اگر در جهان باستان تنها در موارد خاص و ضروری، پادشاهان یا رهبران جوامع اقدام به گسیل سفیران یا ایلچیان به دربارهای یکدیگر به منظور ردّ و بدل کردن پیام‌ها و تبادل نظرات می‌نمودند، امروزه هر یک از این حدود ۲۰۰ دولت - کشور بنا به امکانات دولتی، پیشینه روابط و شرایط داخلی و بین‌المللی خود، دستگاه عریض و طویلی دارند که با هزینه‌کردهای هنگفت بر اساس برنامه‌ها و خط‌مشی‌های مدوّن و مشخصی درگیر ارتباطات با حوزه‌های گوناگون بین‌المللی از طریق نمایندگان و کارکنان داخلی و برون‌مرزی‌شان هستند، تا بتوانند، ضمن برقراری روابط و تماس‌های مداوم با دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، منافع عمومی و امنیت سرزمینی خود را به گونه مؤثری تأمین نمایند.

«هیئت تا قبل از جنگ جهانی دوم، دیپلماسی اساساً شامل روابط بین دولت‌ها و ارتباط بین دولت - دولت می‌گردید؛ ولی تحولات بین‌المللی بعد از جنگ و ورود کشورهای جدید در صحنه قدرت جهانی، توسعه روابط بین کشورها، تشکیل سازمان‌های بین‌المللی و ظهور بازیگران دولتی و غیر دولتی، دیپلماسی را تبدیل به بخش مهم ارتباطات بین‌المللی نمود» (رحمانی، ۱۳۹۴: ۶۷). از آنجاییکه بیشترین تبادلات برون‌مرزی هر دولتی معمولاً با دولت - کشورهای هم‌جوار است، پر واضح است که در این زمینه دولت‌ها نیازمند داشتن اصول مدوّن، برنامه‌ریزی‌شده و چندبعدی و به نسبت دیگر مناطق؛ پیچیده‌تری برای دستگاه دیپلماسی خود هستند. در ایران یکی از پرچالش‌ترین حوزه‌های دیپلماسی، در مورد افغانستان و در مرزهای شرقی وجود داشته که جدای از همگونگی‌های فراوان فرهنگی و تاریخی میان دو کشور به دلیل تاریخ کوتاه استقلال افغانستان از ایران، از سال

۱۹۸۰ که این کشور مورد تجاوز نظامی اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت، تاکنون به دلیل منازعات عمیق سیاسی، قومی و مذهبی، همین‌طور جنگ‌های خانمان‌سوز داخلی که موجب دست‌به‌دست شدن دولت و حکومت در آنجا شده است، مشکلات مستمر و عدیده‌ای را برای ملت و دولت ما در این چهل و دو سال فراهم آورده که به جز حضور میلیون‌ها پناهنده، در زمینه‌های امنیت داخلی و خارجی نیز همواره به‌عنوان یک منبع تشنج‌آفرین و بحران‌زا قلمداد شده است.

در این نوشتار تلاش می‌شود تا درگیری مسلحانه نیروهای مرزی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) با مرزبانان ایرانی را واکاوی نموده و این پرسش را مطرح کنیم که در صورت استمرار چنین رفتارهایی در آینده و تمکین نکردن حکومت طالبان از مفاد معاهده مربوط به حقایق ایران از رودخانه هیرمند، همین‌طور تکرار تنش‌های مرزی اعم از درگیری‌های مسلحانه و حمایت از قاچاقچیان انسان و مواد مخدر مرزی یا حداقل انفعال در برخورد با آنها در همکاری با جمهوری اسلامی ایران، واکنش متقابل ایران بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، مقررات داخلی و معاهده‌ای فی‌مابین دو کشور چگونه باید باشد؟

برای ساماندهی به تحقیق که به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است، دو فرض اساسی را در قالب دو واکنش متفاوت ایران در قبال این ناهنجاری‌ها مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهیم؛ یکی اقدامات مسلحانه و دیگر بهره‌گیری از روش‌های دیپلماسی و تدابیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که می‌توانند در برگیرنده اتخاذ تدابیر جنگی و حملات مسلحانه علیه طالبان به منظور تکرار نشدن چنین اقداماتی در آینده باشد و یا به‌کارگیری راهکارهای دیپلماتیک و اتخاذ تدابیر اقتصادی، سیاسی در برابر رفتار امارت اسلامی طالبان به‌عنوان گروهی ایدئولوژیک و فاقد بنیان‌های علمی و عملی حکومت‌داری مدرن در افغانستان گردد، تا آنان را وادار به رعایت اصول و قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و موضوعه در جهان امروزی، همین‌طور مسئولیت‌ها و تعهدات معاهده‌ای آن کشور در قبال

ایران از جمله در حوزه‌های امنیت سرزمینی و مراوده‌های دفاعی، تجاری، فرهنگی و... نماییم و در پایان با بررسی وضعیت‌های حال و گذشته تبادلات سیاسی، اقتصادی و... این دو کشور، کارکرد و تأثیر اعمال دیپلماسی اقتصادی و برقراری تحریم‌های تجاری - مالی را با در نظر گرفتن حقوق ملی و بین‌المللی، مورد ارزیابی قرار دهیم.

## ۱. مشروعیت قانونی امارت اسلامی افغانستان در حقوق ملی آن کشور و

### حقوق بین‌الملل

ایران قدیم، ایرانی یکپارچه و بزرگی بوده که مانند هر امپراتوری دیگری در جهان به مرور زمان فرایند فرسایشی فروپاشی را پیموده تا به اندازه و گستره امروزین خود رسیده است. یکی از ساتراپ‌های مهم دوران هخامنشیان، ساتراپ "پرشوه" با مرکزیت شهر توس بوده که "ویشتاسپ"، پدر داریوش، ساتراپ یا استاندار آنجا بوده است (بی‌باک، ۱۳۹۸: ۸۴). این استان که بعدها خراسان نامیده شد تا ماورای رودخانه جیحون و مرزهای چین امتداد می‌یافت، هیئت این بدان معنی نبود که دولت‌های ایرانی، ماورای جیحون را متعلق به ایران نمی‌دانستند، بلکه در توان آنها نبود که نفوذ خود را بیشتر از آن بسط دهند» (خسروآبادی و کریمی الوار، ۱۳۹۵: ۳۳). این فراخی سرزمین نشان می‌دهد که بخش‌های بزرگی از اتحاد جماهیر شوروی سابق یا جمهوری‌های امروزی ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و... همین‌طور کشور کنونی افغانستان که تا پیش از استقلال خراسان نامیده می‌شد (بینش و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷۴) تا همین اواخر، یعنی دوران سلطنت خاندان قاجار، جزو قلمرو سرزمینی ایران به شمار می‌رفته و به همین علت است که این کشورها دارای زبان، پیشینه تاریخی، فرهنگی و سیاسی یکسانی با همدیگرند.

هیئت سرزمین افغانستان که از عهد باستان جزو قلمرو شرقی دولت ایران بود، در دوره قاجار اهمیت دفاعی و سیاسی خاصی یافت؛ زیرا به خاک ایران و منطقه نفوذ روس و

انگلیس متصل بود و تنگه خيبر در آن، یکی از مهم‌ترین معابر دسترسی به هند محسوب می‌شد. در قرن هیجدهم میلادی، این سرزمین در پی سقوط امپراتوری‌های مغول در هند و صفویه در ایران با شتاب بیشتری به سوی جدایی از ایران پیش رفت. افغانستان با دخالت و کوشش انگلیسی‌ها و به‌موجب عهدنامه پاریس (۱۸۵۶) از ایران جدا شد و سابقه آن به‌عنوان کشوری مستقل از صدر دوره قاجاریه بیشتر نیست» (حمیدی و یوسف‌زهی، ۱۳۹۴: ۳). یکی از بزرگ‌ترین قربانیان جنگ سرد که بیشترین آسیب‌های ممکن را دریافت نموده و از جمله قربانیانی است که هنوز نتوانسته از بلاهای فاجعه‌بار این جنگ خاموش میان بلوک شرق و غرب سر از خاکستر آتشی که با اشغال اتحاد جماهیری شوروی در سال ۱۹۷۹ در آن برافروخته شد (Larson & Ramsbotham, ۲۰۱۸, p. ۱۸)، بر آورد، همین افغانستانی است که هیئت مقامات حزب کمونیست شوروی در اوایل نوامبر ۱۹۷۹ به این نتیجه رسیدند که امکانات تغییر جهت سیاسی در افغانستان به سود آمریکا وجود دارد» (طنین، ۱۳۹۰: ۲۸۳). به همین سبب با توجه به آشوب‌های داخلی و ناتوانی افسران کودتاچی - که قدرت را در دست گرفته بودند - در ایجاد نظم و کنترل کشور، دولت کمونیستی شوروی، اقدام به گسیل بیش از یک‌صد هزار سرباز به خاک آن کشور نمود (Britannica, ۲۰۲۳). درگیری‌هایی که گاه غیرعلنی و سرد و گاهی تضادهای هویدا و آشکار بلوک شرق و غرب در آن کشور، آسیب‌های فرهنگی، قومی، سیاسی و... در آنجا پدید آورده که برون‌رفت از این آسیب‌ها به‌سادگی نه برای مملکت و نه همسایگان سرزمینی‌اش مقدور نخواهد بود. از هولناک‌ترین بلاهایی که ممکن است، دامن هویت ملی، زیست اجتماعی و امنیت عمومی ملتی را بگیرد، شکل‌گیری گروهی تروریست تنگ‌نظر و کوتاه‌بین است که این موضوع در افغانستان و با وجود و قدرت‌گیری گروه طالبان در آن سرزمین رخ داده است.

پس از خروج شوروی از افغانستان، گروه طالبان که به طور مستقیم به وسیله پاکستان و عربستان حمایت می‌شدند و در دوران جنگ سرد از پشتیبانی آمریکا نیز بهره می‌بردند، قدرت را در افغانستان به دست گرفتند و با حادثه ۱۱ سپتامبر - که منجر به حمله آمریکا و ناتو به افغانستان شد - برای قریب ۲۰ سال دفتر حکومتشان در هم پیچید، تا آنگاه که در سال ۲۰۱۱ و با یک زد و بند سیاسی با آمریکا در قطر دوباره به قدرت بازگشتند. از آن جهت از عبارت «زد و بند» بهره گرفته شده که توافق با طالبان به عنوان یک گروه نظامی آن هم گروهی در فهرست تروریستی شورای امنیت سازمان ملل متحد، مطابق با هیچ یک از قواعد موجود حقوق بین‌الملل، نمیتواند حکم یک معاهده، توافقنامه یا حتی تفاهم‌نامه و سند همکاری بین‌المللی باشد. آن هم به این سبب ساده که در روابط بین‌المللی، اصولاً دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل شناخته می‌شوند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۴۷) و صرفاً اسناد امضا شده فی مابین آنها جزو اسناد معتبر بین‌المللی به حساب می‌آیند. (Wallace, ۲۰۰۵, p. ۲۵۵) طالبان یک گروه غیررسمی است. نه دولت "بایدن" و نه هیچ دولتی، امکان انعقاد یک معاهده بین‌المللی با آنها را ندارد؛ بنابراین، مردم افغانستان هم اینک در یک زد و بند سیاسی در گروهان گروهی قرار گرفته‌اند که فاقد جایگاه دیپلماتیک بوده و بالاتر این که از سابقه نیکی هم برخوردار نمی‌باشند. اگر در پاریس، آمریکا با نمایندگان "هوشی مین" قریب به ده سال مذاکره میکرد دستکم می‌توانست از آنها به عنوان دولت ویتنام شمالی که چین، شوروی و چند کشور کمونیست دیگر آنها را شناسایی کرده بودند، معاهده صلح امضا کند، اما اینجا چنین امکانی برای دولت بایدن وجود نداشت. هدف او تنها فراغت یافتن از دردها و هزینه‌های هنگفت حضور در افغانستان بود تا اگر بخواهد آمریکا را در جایی دیگر درگیر جنگ کند، دغدغه‌ای از سمت کابل نداشته باشد.

بر پایه قوانین حقوق بین‌الملل و قانون اساسی افغانستان (که در صورت غیبت رییس‌جمهور، معاون اجرایی وی را رییس دولت می‌شناسد)<sup>۱</sup>، همین‌طور بر پایه عرف دیپلماتیک موجود، در صورت سقوط دولتی که با توسل به زور و بهره‌گیری از قوای نظامی خارج از عرف و قانون ناگزیر به تبعید، جابه‌جایی محل استقرار و آسیب‌های کلان تشکیلاتی شده است، تا پیش از به دست آوردن مقبولیت عمومی، نیروهای نظامی ساقط‌کننده قدرت دولت قانونی و یا تشکیل دولت موقت بر اساس قانون، یا همراهی دولت قانونی و برگزاری انتخابات، دولت کودتا فاقد مشروعیت تلقی می‌گردد (Azizi, ۲۰۲۱, p.۱۶). اگر چه بنا بر بند (۴) ماده (۲) منشور، توسل به زور و یا تهدید به آن، در روابط بین‌المللی ممنوع اعلام شده است؛ اما این ممنوعیت، مناقشه‌های داخلی را در بر نمی‌گیرد (ثقفی عامری، ۱۳۷۰: ۱۴). از سویی دیگر در نظام حقوق بین‌الملل هیچ بحثی در مورد ساختار قانون اساسی، نوع نظام حکومتی و ترتیبات اجرای مؤثر قدرت دولت وجود ندارد و شرطی در این باره در مورد عضویت دولت‌ها در سازمان ملل متحد وجود ندارد. معیار اعمال "قدرت مؤثر"<sup>۲</sup> از اصولی است که برای تعیین حکومت‌های حاکم بر دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی بهره گرفته می‌شود (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۰). امری که در رأی داوری تینیکو به منظور حل و فصل اختلافات میان بریتانیا و کاستاریکا منعکس شده است (Brownlie, ۱۹۸۲, p.۱۹۹).

وجود فساد گسترده در حکومت‌های بر سرکار در افغانستان پس از سرنگونی طالبان در ۲۰۰۱، سبب شد تا پس از خارج شدن این گروه از فهرست گروه‌های تروریستی شورای امنیت در سال ۲۰۱۱ (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۴)، و باقی ماندن گروه القاعده در آن فهرست (۲۰۱۱, p.۱, Resolution ۱۹۸۹)، مذاکرات طولانی مدتی فی‌مابین سران آن گروه با آمریکا

---

۱. فصل (۳)، ماده (۶۰)، قانون اساسی افغانستان. مصوب ۲۰۰۴

در قطر شکل بگیرد که در نهایت منجر به توافق دوحه در ۲۰۲۰ گردید. در این مذاکرات، طالبان صراحتاً پذیرفتند، در صورتیکه دوباره به قدرت بازگردند، هرگز به دنبال قدرت انحصاری در افغانستان نبوده و می‌پذیرند: هیئت مخالفان امارت اسلامی در افغانستان را نمیتوان حذف کرد و نادیده گرفت» (Osman & Gopal, ۲۰۱۶, p.۶). ولی با توجه به سوابق موجود از این گروه در خلال سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ که تنها سه کشور امارات متحده عربی، عربستان و پاکستان این حکومت را به‌عنوان نهاد بین‌المللی دولت به رسمیت شناختند، این بار نیز شاهد همان روال بوده‌ایم؛ با این تفاوت که تنها به دلیل تغییر شرایط منطقه‌ای، امنیتی و سیاسی بین‌المللی تنها شاهد اضافه‌شدن ۳ کشور دیگر به این جمع، یعنی روسیه، چین و ایران هستیم که حاضر شده‌اند، اعضای طالبان را در نمایندگی‌های سیاسی مستقر در کشورشان بپذیرند و به عبارتی اجازه حضور نمایندگان امارت اسلامی را در سفارتخانه‌های افغانستان بدهند. این عمل کشورهای شش‌گانه را می‌توان نوعی شناسایی دولت طالبان قلمداد نمود. به نظر می‌رسد، با تن‌دادن آنها به تشکیل یک حکومت فراگیر ملی و آرایه شواهد بارز و قابل اثباتی از دوری و برخورد آنها با عوامل و گروه‌های تروریستی فهرست‌شده در شورای امنیت، بتوانند به‌عنوان یک دولت رسمی عضو سازمان ملل متحد نماینده‌ای در آنجا داشته باشند. البته این امر بدان معنی نیست که هرگاه کشوری شرایط این‌چنینی پیدا کند، وصف دولت بودن یک حکومت مستقر و تثبیت‌شده از آن سلب و عضویت آن کشور در سازمان ملل متحد زایل شود (Wallace, ۲۰۰۵, p.۶۴).

## ۲. روابط ایران و امارت اسلامی افغانستان

همان‌گونه که در مبحث پیشین بدان اشاره شد، در حقوق و روابط بین‌الملل، اصل بر بقای دولت‌هاست و حتی در مواردی که دولت‌ها به دلیل برخی دگرگونی‌هایی تجزیه می‌شوند، نیز یکی از همان دولت‌های تجزیه‌شده جایگزین دولت تجزیه‌شده می‌گردد (ضیائی

بیگدلی، ۱۳۹۹: ۲۹۸)؛ مگر در موارد استثنایی مانند آنچه که در مورد جمهوری فدرال یوگسلاوی (صربستان و مونته‌نگرو) در رابطه با یوگسلاوی پیشین رخ داد و این جانشینی پذیرفته نشد (میرعباسی و صیقلایی، ۱۳۹۸: ۴۹۲). اما چنین امری در مورد شناسایی و به رسمیت شناختن حکومت‌های جدیدی که در اثر کودتا، شورش‌های نظامی یا غیرنظامی داخلی و یا جنگ‌های بین‌المللی و... شکل می‌گیرند، معمول و متداول نیست. در روابط نوین بین‌المللی به‌ویژه بر مبنای "حق تعیین سرنوشت"<sup>۱</sup> ملت‌ها، معمولاً بسیاری از کشورها هنگامی اقدام به شناسایی حکومت جدید برای دولت - کشور متحول شده‌ای که در حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی بوده، میکنند که علاوه بر بررسی استیلائی عمومی قدرت حکومت جدید بر قلمرو سرزمینی آن دولت - کشور، برای آنها یا به لحاظ منافع عمومی و یا دیگر مصالح سیاسی، اقتصادی و... مفید باشد و یا تشخیص دهند که حکومت تازه تأسیس به لحاظ مشروعیت داخلی، روال قانونی را بر اساس اصول دموکراسی، طی کرده باشد.

معنی شناسایی این است که دولت‌های دیگر وجود یک دولت را (که تازه تأسیس شده یا تغییر رژیم یافته) بشناسند. شناسایی به هر شکلی که باشد (رسمی<sup>۲</sup> یا عملی<sup>۳</sup>) اعلام وجود دولت جدید را میکند نه این که وصف دولت بودن بدهد. به عبارت دیگر شناسایی از جهت حقوقی، چیزی به دولت تشکیل شده و تأسیس یافته نمی‌دهد و اگر هیئتی ادعای ایجاد دولت جدیدی بکند؛ ولی یکی از عوامل تشکیل دهنده آن را نداشته باشد، شناسایی یک یا چند دولت دیگر آن را تکمیل نمیکند. این مطلب از آن جهت مهم است که ممکن است، عده‌ای علیه دولت قانونی خود طغیان کنند و دولت دیگری، به دلایل و جهت سیاسی

---

۱ Self-determination

۲. De Jure

۳. De Facto

خاص، آن گروه را به عنوان دولت بشناسد و با آنها رابطه برقرار کند. این شناسایی به آن گروه صفت دولت بودن نمی بخشد و جامعه بین المللی آن گروه را دولت نمی شناسد، مگر آن که تمام عوامل اساسی آن را داشته باشد» (صدر، ۱۳۹۲: ۳۰).

بر خلاف وجود روابط بدون تنش که دولت ایران با دولت های متعدد افغانستان با وجود مسایل متفاوت مناقشه برانگیز فی مابین دو کشور داشته است، از نخستین روزهای حضور این گروه بر مسند حکومت افغانستان در سال ۱۹۹۶، چالش ها و تنش های بسیار حاد و جدی در روابط دو کشور به وجود آمده که مهم ترین آنها، کشتار اعضای کنسولگری ایران در مزارشریف در سال ۱۹۹۸ (تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸: ۴) و درگیری های چند باره مرزی از سال ۲۰۲۲ میان مرزبانان دو کشور است که به تازگی منجر به شهادت دو سرباز مرزی ایران در پاسگاه ساسولی و چندین نیروی طالبان شده است. اگر ایران در دوره تسلط پیشین طالبان بر افغانستان تا سر حد یک جنگ تمام عیار نظامی پس از شهادت اعضای کنسولگری اش جلورفت (خبر آنلاین، ۱۳۹۸: ۲)، اما در این دوره از حکومت آنها بر این کشور، روابط دو طرف با آن چه در ظاهر امر مشخص است و بارها شاهد تنش هایی از جمله دستگیری موقت نیروهای مرزی ایرانی به وسیله طالبان بوده ایم (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۱: ۲)، بسیار متفاوت تر است.

هر چند ایران به طور رسمی و به وسیله وزیر امور خارجه، اظهار نظر کلامی در مورد شناسایی نشدن امارت اسلامی افغانستان نموده، اما جزو معدود کشورهایی است که اجازه حضور دیپلمات های آن حکومت را در دفاتر نمایندگی افغانستان با کارمندان و دیپلمات های جدید در تهران داده است (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۱: ۴). با توجه به این که شناسایی حکومت های جدید ناشی از دگرگونی در کشورها و یا دولت های تازه تأسیس به خودی خود اجباری نیست (صدر، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ اما؛ هیئت شناسایی به هر شکلی که باشد بین دولت شناخته شده و شناسایی کننده ایجاد رابطه ای میکند که به خودی خود آثاری دارد، بدون آن

که الزاماً نمایندگان دیپلماتیک نزد هم بفرستند. مثلاً به گذرنامه اتباع طرف دیگر رسمیت و اعتبار می‌دهد و تجارت و مبادله کالا میان اتباع آنها می‌تواند برقرار بشود. این در مورد دولتی است که تازه تأسیس باشد. در مورد دولت‌هایی که پیشتر وجود داشته و شناخته شده بودند؛ ولی به علت تغییر رژیم باید از طرف دول دیگر شناخته شوند تا دوباره روابط داشته باشند، شناسایی تغییر عملی در وضع میان آنها نمی‌دهد. در این مورد دولت‌هایی که دولت قدیم را شناخته بوده و با آن رابطه داشته‌اند، اگر رژیم جدید را بشناسند، کافی است که همان نمایندگی دیپلماتیک سابق خود را نزد دولت جدید حفظ کنند و دولت‌هایی که مایل نیستند، رژیم جدید را بشناسند، روابط دیپلماتیک موجود خود را با احضار سفیر و بستن سفارت خود قطع می‌کنند» (صدر، ۱۳۹۲: ۳۱).

آنچه پس از سقوط دولت اشرف غنی در سال ۲۰۲۱ و تسلط طالبان بر افغانستان رخ داد، با آنچه دکتر جواد صدر در کتاب "حقوق دیپلماتیک و کنسولی" بیان داشته، قدری متفاوت است. از میان ۵۷ کشوری که پس از سقوط کابل در سال ۲۰۲۱، کانال‌های ارتباطی دیپلماتیک خود را به نحوی از انحا باز نگاه داشته‌اند، تنها ۱۵ کشور کادر دیپلماتیک خود را نگاه داشته‌اند، به عبارت دیگر، تا ماه مارس ۲۰۲۳، تنها ۱۵ سفارتخانه خارجی در کابل وجود دارد (Afganistan Embassies and Consulates, ۲۰۲۳, p.۱) که قریب ۵۰ درصد از آنان نیز با تقلیل سطح روابط به کاردار و یا کمتر نه به شکل رسمی و نه غیررسمی و ضمنی مانند ارتباطات رسمی دیپلماتیک و یا پذیرش دیپلمات‌های امارت اسلامی افغانستان در کشور خود، به این حضور دفاتر نمایندگی شان در آن کشور در مورد شناسایی آن حکومت رسمیت داده‌اند. در این میان ۷ کشور قطر، امارات متحده عربی، پاکستان، چین، ترکیه، روسیه و ایران با حضور دیپلمات‌های رسمی و معرفی شده امارت اسلامی افغانستان در کشورهای خود عملاً اقدام به شناسایی آن نموده‌اند؛ اگر چه در گفتگوها و مصاحبه‌ها، بیان دیگری از آن ارایه می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به‌مانند ۶ کشور دیگر، روابط

دیپلماتیک، تجاری و... با امارت اسلامی افغانستان داشته که نشان از شناسایی آن حکومت می‌دهد.

نخستین همکاری دیپلماتیک علنی تهران با نمایندگان رسمی طالبان در اوایل اکتبر ۲۰۲۱ بود و از آن زمان، آنها ۶۷ ملاقات داشته‌اند که رتبه چهارم در میان دولت‌ها پس از کشورهای، چین، ترکیه و قطر به شمار می‌آید. ۱۶ جولای ۲۰۲۲، امیر خان متقی وزیر خارجه امارت اسلامی افغانستان و بهادر امینیان، سفیر وقت ایران توافق کردند تا هیئت‌های مشترکی تشکیل دهند که نشست‌های منظمی برای تسهیل گفتگوهای تجاری آینده داشته باشند (Zelin, ۲۰۲۳). وجود چنین روابطی در سطوح گوناگون میان ایران و مقامات رسمی طالبان با عنایت به مطالبی که در بالا درباره شناسایی دولت‌ها در روابط و حقوق بین‌الملل گفته شد، بیان‌کننده نوعی شناسایی حکومت جدید افغانستان (امارت اسلامی افغانستان) به‌وسیله ایران است، هر چند در بیانات رسمی وزیر امور خارجه آقای "امیر عبداللهیان" در دیدار با رؤسای نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، به‌صراحت از این که جمهوری اسلامی ایران، دولت طالبان را به رسمیت نشناخته و لزوم این شناسایی تشکیل یک دولت فراگیر است، تأکید گردیده است (عبداللهیان، ۱۴۰۲).

البته باید در نظر داشت که بنا به تضادهای موجود در رفتار و گفتار سیاستمداران جمهوری اسلامی در مورد وضعیت حال حاضر کشوری که بیش از هزار کیلومتر مرز مشترک زمینی با ما دارد، می‌توان پی برد که سخنان وزیر امور خارجه درباره به رسمیت نشناختن حکومت فعلی در افغانستان، در چهارچوب شناسایی رسمی و دوزوره است، چرا که بنا به برخی ارتباطات موجود و حضور دیپلمات‌های دو کشور در خاک طرفین، موضوع در عمل کمی فراتر از شناسایی دوفاکتو (غیررسمی) است؛ هر چند اظهارت صریح و روشن وزیر امور خارجه نیز شناسایی دوزوره (رسمی) آن حکومت را نیز منتفی می‌نماید. چنین رفتاری در این‌گونه شرایط، امر طبیعی و معقول به نظر می‌رسد؛ چرا که وجود بسیاری از موضوعات

مهم و بنیادین میان دو کشور از جمله، مهاجران رسمی و غیررسمی افغان در ایران که قریب به ۴۳ درصد از کل مهاجران و پناهندگان افغان را در بر می‌گیرد (آراسته و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷۴)، پایش‌ها و کنترل‌های مرزی، قاچاق انسان و مواد مخدر در مرز طولانی دو کشور، وجود منابع طبیعی مشترک مرزی و فرامرزی میان ایران و افغانستان به‌ویژه منابع آبی رودخانه هیرمند و مبادله‌های تجاری و مرزی اتباع طرفین از جمله موضوع‌هایی‌اند که دو کشور نمیتوانند تماس‌ها و ارتباطات رسمی و غیررسمی خود را قطع نموده، یا به سطح آسیب‌زایی کاهش دهند.

### ۳. تنش‌های موجود در روابط ایران و افغانستان

به همان اندازه که عمر روابط دو دولت به جوانی عمر کشور افغانستان کوتاه است؛ اما نمیتوان انکار کرد که در همین عمر کوتاه نیز، دو کشور تنش‌ها و ناملايمات بسیاری را پشت سر نهاده‌اند که غالب این تنش‌ها نیز به دلیل شرایط اضطراری و خاصی بوده که افغانستان را ناخواسته درگیر خود کرده است. بهترین و بی‌چالش‌ترین دوران روابط ایران - افغانستان را می‌توان در دوران حکومت پهلوی‌ها تصور نمود، آن هم به این دلیل که افغانستان طی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۷۹ تقریباً یکی از باثبات‌ترین و آرام‌ترین کشورهای آسیا بود، چرا که دولت آن کشور با وجود میل باطنی که نشئت‌گرفته از دخالت‌های مداوم روس و انگلیس در سیاست‌های داخلی کشورهای منطقه بود و تمایل به همسویی با آلمان نازی داشت (Pasanyagam, ۲۰۰۲, p.۲۲)، در جنگ بین‌الملل دوم عملاً سیاست خارجی بی‌طرفی محض را در پیش گرفت و در عرصه داخلی نیز، گرفتار ناامنی و درگیری‌های داخلی نگردید (Meley, ۲۰۰۲, p.۱). اما درست در زمانی که وقوع انقلاب در ایران، باعث تحولات عمیق و شگرفی در کشور شد، در همسایه شرقی‌اش نیز با تهاجم اتحاد جماهیر شوروی و اشغال نظامی افغانستان، شرایط هر دو به شکلی بنیادین تغییر کرد.

هنوز ایران به صورتی اصولی و کامل شرایط انقلابی را پشت سر ننهاده بود که با آغاز جنگ تحمیلی، وضعیت اضطراری بر کشور حاکم و سبب ساز ایجاد چالش‌های بنیادین در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی ایران گردد. در این موقعیت، ارتباط ایران با افغانستان نیز که در آنجا شاهد برخی فعالیت‌های آمریکا برای ویتنامیکردن افغانستان جهت انتقام از شوروی بود (فرزانه‌پور و یوسف‌زهی، ۱۳۹۶: ۱۷۴)، تغییراتی به وجود آمد که در سال‌های آتی، منجر به بعضی از دگرگونی‌های بنیادین در روابط دو طرف شد. از اصلیت‌ترین اموری که جنگ ایران و عراق در روابط ایران با افغانستان به وجود آورد، علاوه بر امنیتی‌شدن روابط آنها (شیخ غفوری و ببری گنبد، ۱۳۹۹: ۳۱)؛ کاهش ملموس حضور فرهنگی، سیاسی و بالاخص نظامی در آن کشور بود. انفعال ایران در مورد رایزنی‌ها و فعالیت‌های سیاسی بین‌المللی در باره قضیه تجاوز نظامی شوروی به افغانستان تا آنجا بود که حتی با دعوت کورت والدهایم<sup>۱</sup> (دبیرکل وقت سازمان ملل متحد) و خاویر پرزدوکوئیاری<sup>۲</sup> (قائم‌مقام دبیرکل)، تهران قویا با هرگونه ارتباط با مسئله علی‌رغم حضور هزاران پناهنده افغان در ایران و ارتباطات گسترده‌ای که با مذهبیبون افغانستان داشت، مخالفت ورزید. اگر چه بعدها از طرف سازمان ملل در جریان مذاکرات قرار گرفتند، اما تهران هرگز وظیفه‌ای را در این باره نپذیرفت؛ موضوعی که با سفر آوریل ۱۹۸۱ پرزدوکوئیاری به کابل و اسلام‌آباد، پاکستان نقش مهمی در آن ایفا نمود (والدهایم، ۱۳۷۴: ۲۶۶).

دست بالای بازیگران سیاسی غیر از ایران در حمایت از گروه‌های سنی افراطی و شرایط خاص درگیری افغان‌ها با نیروهای متجاوز، عاملی شد تا گروه‌های مذهبی و ملی گوناگونی با حمایت کشورهای عربستان سعودی، پاکستان و به طور اخص آمریکا علیه حکومت کمونیست ببرل کارمل و نیروهای ارتش سرخ شوروی وارد فعالیت شوند (آقاجاری و

۱. Kurt Waldheim

۲. Javier Pérez de Cuéllar

کریمی، ۱۳۹۴: ۶۳). در نهایت نیز با خروج شوروی از آن کشور، دولت رسمی و قانونی افغانستان، نتوانست در برابر گروه مذهبی و خودسر طالبان که زیر چتر حمایتی مستقیم پاکستان و عربستان سعودی از یک سو و آمریکا به شکلی نامحسوس اما قوی از سوی دیگر بود، مقاومت نماید. گذشته بر انفعال ایران در دخالت مؤثر در افغانستان - که ناشی از شرایط ایران و وضعیت خاص حکومت برآمده از انقلاب بود - پیامدهای گروگان‌گیری در سفارت آمریکا که روابط دو کشور را وارد مرحله نوین و درازمدتی کرد، سبب شد، دخالت‌های آمریکا در افغانستان و ارتباطات قوی آن کشور با گروه‌های مذهبی از جمله سنی‌های جنوب آنجا، عامل همکاری نظامی با گروه‌های مبارز افغانی را برای ایران به طور جدی وارد ملاحظات سیاسی میان دو کشور همسایه نماید، تا برآیند نیروهایی که می‌توانست تنش‌های میان دو کشور را برای جمهوری اسلامی ایران امنیتی سازد، افزایش یابد و باعث شد تا چالش‌های اقتصادی - فرهنگی حضور پناهندگان افغانی به کشور، تنش‌های مرزی به‌ویژه درباره حقایق ایران از رود هیرمند نیز هم‌راستا با مسایلی مانند قاچاق کالا و انسان در مرزها، ترانزیت و حمل مواد مخدر، فعالیت‌های اشرار، دخالت‌های قومی و مذهبی متنقدان محلی و سرکردگان گروه‌های مبارز و ایدئولوگ در میان اهل سنت مناطق شرقی ایران، به مشکلات امنیتی در روابط فی‌مابین این دو کشور بدل شود که یکی از عوامل اصلی این پدیده را نیز می‌توان در عامل افزایش روند ایران‌هراسی در افغانستان نام برد که در برخی مواقع حتی مانع گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری دو کشور شده است (شیخ غفوری و ببری گنبد، ۱۳۹۹: ۲۶).

به جز عوامل سیاسی - امنیتی و تنش‌های مرزی حاصل از قاچاق کالا و مواد مخدر، یکی از قدیمیترین چالش‌های فی‌مابین دو همسایه، مربوط به رودخانه هیرمند و حقایق ایران از آن رودخانه است که همواره اسبابی در دست دولتمردان افغانستان جهت ارتباط‌دادن این عامل به یک عامل سیاسی - اقتصادی بوده که هم‌اینک در دوران زمامداری طالبان، رأساً به یک بهانه و عامل تنش امنیتی - سیاسی بدل شده است.

### ۳-۱. رودخانه هیرمند، استخوانی لای زخم روابط سیاسی - امنیتی

درباره بروز چالش‌های سیاسی در روابط میان دولت‌هایی که رودخانه مشترکی دارند، وضعیت‌های متعددی وجود دارد که هرچند برخی از آن‌ها با توافق طرفین و از طریق مذاکرات سیاسی و نه حقوقی حل و فصل شده و بر مبنای تصمیمات اجرایی دو یا چندجانبه از یک حقوق مشخص و معلومی پیروی میکنند، برخی دیگر با گذشت سال‌ها همچون استخوان لای زخم در روابط سیاسی - اقتصادی و حتی فرهنگی - اجتماعی کشورها در حالت یک مخاصمه سیاسی سرد، لاینحل مانده؛ اگرچه وجود تضادهای فی مابین باعث تیرگی روابط یا قطع آن‌ها نشده است. اختلافات لاینحل بیش از ۲۰۰ ساله میان ایران و افغانستان در مورد حقابه رودخانه مشترک هیرمند که طی این سال‌های طولانی استمرار داشته، بدون بروز مشکلات بنیادین که مانع روابط سیاسی - اقتصادی و فرهنگی دو کشور گردد، همچنان به‌عنوان یک معضل باقی مانده است. در مسیر تاریخ پرفراز و نشیب این دو کشور پس از جدایی افغانستان از ایران و با وجود معاهده‌های فراوان، به‌دلیل پایبند نبودن افغانی‌ها به تعهدات عرفی و قراردادی خود (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵)، این کشور از جریان یافتن حقابه حقیقی ایران به سمت سیستان و بلوچستان خودداری نموده است. هر چند همواره در مراوده‌های سیاسی، این موضوع محل بحث‌های سیاسی عمده‌ای بوده؛ اما هرگز سبب نشد تا در دولت‌های پیشین افغانستان، تأثیرات منفی آن مانعی در جریان روابط دیپلماتیک و سیاسی دو کشور باشد. اما، این بار وضعیت متفاوت است و بیش از آنچه پیش از این مشاهده می‌شد، امارت اسلامی افغانستان از این مهره مشترک در حال انجام بازی‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی و امنیتی است.

موضوع هیرمند در هیئت قرارداد پاریس ۱۸۵۷<sup>۱</sup> که طی آن ایران، استقلال بخشی از خاک خود را با عنوان کشور افغانستان به رسمیت شناخت، مورد توجه قرار گرفت و

۱. Treaty of Paris (۱۸۵۷)

انگلستان به‌عنوان داور و میانجی بر پایه قرارداد منعقد در باره شیوه‌های بهره‌برداری از رود هیرمند انتخاب شد. اگرچه دو بار میانجی‌گری آن‌ها بی‌نتیجه ماند و در نهایت در سال ۱۹۳۷ دو قرارداد کوهک و کابل بین طرفین امضا گردید که به‌دلیل ساخت سد کجکی توسط افغان‌ها در سال ۱۳۵۱ دوباره قرارداد دیگری میان دو طرف منعقد شد، تاکنون افغانستان به مفاذ هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور اساسی و کامل عمل ننموده است و حقایق هیرمند برای ایران همچنان یک چالش سیاسی در روابط آن‌ها به‌شمار می‌آید (عنابی، ۱۳۹۱: ۶).

نمی‌توان منکر این اصل شد که جریان یافتن آب رودخانه هیرمند به درون ایران، سبب رونق تولیدات کشاورزی و در پی آن اشتغال و ایجاد امنیت مرزی بیشتر می‌شود. با کم‌شدن آب این رودخانه و یا خشک‌شدن جریان آن به سمت ایران، اقتصاد محلی که غالباً در نقاط مرزی ایران - افغانستان و ایران - پاکستان قرار دارد، دچار چالش‌های اساسی و در برخی نقاط دچار فروپاشی می‌شود. فرآورده‌های غذایی کاهش یافته و فقر گروه‌های حاشیه‌نشین به‌ویژه کشاورزان مناطق مرزی بیشتر، مهاجرت‌ها گسترده‌تر و در نهایت ناامنی‌ها بیشتر می‌شوند. این امر از آنجایی بیشتر اهمیت می‌یابد که به‌ندرت می‌توان امنیت اقتصادی را به‌طور ساده با بازگشت به شرایط و سیاست‌های گذشته ارتقا بخشید (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶). نمی‌توان پذیرفت که طالبان از این موضوع غفلت دارند و پیامدهای ناپایبندی به حقایق هیرمند به‌ویژه از سد کجکی را نمی‌دانند، بلکه برخلاف دیگر حکومت‌های افغانستان که کج‌دار و مریز با حقایق ایران رفتار می‌کردند و مواظب بودند تا به روابط دو کشور آسیب جدی وارد نشود، سیاسیون و حتی رجال فنی - اقتصادی این امارت در صددند تا از این حق اصیل ایران برای باج‌گرفتن در موضوعات سیاسی، امنیتی و اقتصادی به‌شکلی نادرست و غیردیپلماتیک بهره ببرند.

## ۳-۲. روابط اقتصادی و مبادلات مرزی ایران و افغانستان

### ۳-۲-۱. دیپلماسی اقتصادی و حقوق بین‌الملل

با دانش و گفتگو می‌توان به فتوحاتی دستیافت که با جنگ هرگز فتح نمی‌شوند. این یکی از بارزترین رویکردهای بشری در دو سده اخیر بوده که به‌ویژه پس از جنگ دوم جهانی اهمیت بیشتری در روابط بین‌المللی بالاخص در حوزه اقتصاد و تجارت جهانی پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که امروزه در همه سفارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط با روابط خارجی کشورها (وزارتخانه‌های امور خارجه کشورها یا ارگان‌های دارای این وظیفه)، بخش اقتصادی و متولی سامان‌بخشیدن به روابط تجاری - اقتصادی از بخش‌های پرتحرک به شمار می‌روند و بخش مهمی از سیاست خارجی و دیپلماسی دولت‌ها به دیپلماسی اقتصادی معطوف می‌شود. این نوع دیپلماسی را می‌توان حدفاصل میان اقتصاد بین‌المللی و سیاست بین‌المللی تصور کرد و به فرایندها و شیوه‌هایی، آن را اطلاق نمود که از طریق آن دولت‌ها از فعالیت‌های فرامرزی اقتصادی برای تحقق منافع ملی خود بهره‌مند شوند (عسکری کرمانی و صفا، ۱۴۰۱: ۹۹).

نمایندگی‌های دولت‌ها در خارج از کشور وظیفه دارند، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و ویژگی‌های مثبت و مورد تمایل دیگران را برای ایجاد کشش و جذابیت در میان جوامع دیگر به منظور بهره‌برداری از تولیدات، سرمایه‌گذاری، بازدید، کار و سفر ترویج و همیچنین فضا را در کشور محل مأموریت خود برای ساخت پُل‌های ارتباطی فراهم نمایند. چنین فعالیت‌هایی را می‌توان با عنوان "قدرت نرم"<sup>۱</sup> توصیف کرد که معمولاً با معیارهای نفوذ سختی که یک کشور دارد، متفاوت است. برخی اوقات سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند توسط

---

۱. Soft Power

"ارواح حیوانی"<sup>۱</sup> که "جان مینارد کینز"<sup>۲</sup> آن را ارایه داده، هدایت شوند. این قبیل تصمیم‌ها لزوماً با معیارهای متعارف ریسک همخوانی ندارند؛ بلکه بر پایه ادراک‌ها و باورها اتخاذ می‌شوند. به همین دلیل است که در بُعد تجارت و اقتصاد بین‌المللی نباید دیپلماسی و قدرت نرم را نادیده گرفت و اینجاست که بخش دیپلماسی اقتصادی خود را نشان می‌دهد (Yueh, ۲۰۲۰, p.۶).

دولت ژاپن با تدوین "برنامه اقدام با هدف تسهیل فضای سرمایه‌گذاری از طریق ترویج انعقاد معاهدات مرتبط با سرمایه‌گذاری"<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۶، تلاش داشته با پیشبرد فعالانه معاهده‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی (به‌ویژه اقتصادهای نوظهور در حال رشد) در بازار داخلی و برعکس، انجام رایزنی‌های مؤثر خارجی از طریق نمایندگی‌های آن کشور در دیگر دولت‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی در خاورمیانه، آفریقا، آمریکای لاتین و... استمرار بخشیده و تقویت کند. بر پایه گزارش وزارت خارجه ژاپن در سال ۲۰۱۷، آنها ۴۸ معاهده اقتصادی امضا شده و لازم‌الاجرا برای سال ۲۰۱۸ دارند که تا اواخر سال ۲۰۱۷، دستکم ۴۲ معاهده از آنها، لازم‌الاجرایند. مجموع معاهده‌های آنها در سال ۲۰۱۷، ۹۳ اقتصاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر می‌گیرد که این مقدار ۹۴ درصد از سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در خارج از قلمرو سرزمینی‌اش تا سال ۲۰۱۸ به شمار می‌آید. (Diplomatic Blue Book, ۲۰۱۷, p.۲۶۵)

### ۲-۳- وضعیت تجارت و روابط تجاری ایران - افغانستان

امروزه به معنی اخص کلمه خودکفایی اقتصادی و یا به عبارت دیگر، استقلال اقتصادی کشورها در دنیا رنگ و بوی خود را باخته است (رنجبرزاده، ۱۳۹۹: ۵۳). افغانستان

---

۱. Animal Spirits

۲. John Maynard Keynes

۳. The Action Plan Aiming to Facilitate an Investment Environment Through Promoting the Conclusion of Investment Related Treaties.

کشوری محصور در خشکی است و برای ارتباط با دریاهای آزاد برای مقرون به صرفه‌ترین شیوه حمل‌ونقل تجاری، نیازمند همکاری‌های ایران و پاکستان است تا از دو بندر اقیانوسی چابهار و کراچی به شکل ترانزیت، کالاهای موردنیاز را وارد کند. بسته‌شدن متعدد مرزهای مشترک افغانستان و پاکستان در سال‌های اخیر و ایجاد محدودیت‌های ترانزیتی از سوی پاکستان سبب شده است، افغانستان توجه ویژه‌ای به بندر چابهار داشته باشد. ایجاد دسترسی سریع‌تر کشورهای آسیای مرکزی به وسیله خاک افغانستان به اقیانوس هند و شرق آسیا می‌تواند انگیزه‌های مضاعفی را برای شرکت‌های چینی و هندی در راستای سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و حتی در ایران و پاکستان فراهم آورد. بندر چابهار با سرمایه‌گذاری مشترک هند و ایران در حال توسعه است و می‌تواند بهترین شرایط را برای بازرگانان افغانی فراهم کند» (شیخ غفوری و بیری گنبد، ۱۳۹۹: ۴۰).

برای رونق دادن به ترانزیت کالا به افغانستان و تلاش هند برای برقراری خط تجاری ویژه با افغانستان "توافقنامه سه‌جانبه ایران، هند و افغانستان" در سال ۱۳۹۵ منعقد گردید. به این منظور و برای برقراری مسیر خشکی، کریدور ترانزیتی شمال - جنوب شامل بزرگراهی از چابهار به افغانستان است که ۲۰۰ کیلومتر آن از شهر مرزی زرنج تا شهر دل‌آرام که افغانی‌ها به آنجا بندر دل‌آرام می‌گویند، مورد بهره‌برداری قرار گرفته و هند آماده بود تا ۹۰۰ کیلومتر مسیر ریلی به موازات این بزرگراه تا منطقه "حاجی گک" افغانستان که دارای معادن غنی آهن است، احداث نماید. این مسیر، یعنی مسیر ترانزیتی چابهار به مرکز افغانستان ۷۰۰ کیلومتر نزدیک‌تر، مسطح‌تر و با توجه به موقعیت‌های امنیتی مناطق عبور، مطمئن‌تر از مسیر کراچی به مرکز افغانستان به شمار می‌آید. علاوه بر این تا پیش از تسلط طالبان،

۱. Trilateral agreement between Iran, India and Afghanistan (۲۰۱۵)

ایران قصد واگذاری بارانداز، لنگرگاه و تأسیسات بندری اختصاصی به بازرگانان افغان را در چابهار داشته است (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۸۴).

روابط ایران و افغانستان با وجود حضور پررنگ آمریکا در آن کشور و تسلط کامل بر روال سیاسی، اداری و اقتصادی آن کشور با اعمال دیپلماسی فعال به معنی بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی، استراتژیک و رویکردهای سیاست خارجی برای پیشبرد اهداف اقتصادی، صادرات ایران به افغانستان در آخرین سال حضور نیروهای خارجی در آن کشور (سال ۲۰۱۹)، از میزان صادرات چین، پاکستان، هند و امارات متحده بیشتر بوده است (world Bank, ۲۰۲۲). این آمار یعنی روند کلی تجارت میان دو کشور تا پیش از خروج نیروهای خارجی، چشمگیر و در راستای منافع دیپلماسی اقتصادی ایران بوده است... چنین امری را می‌توان مهم‌ترین استثنا در دیپلماسی اقتصادی کشور و یک نمونه موفق از آن برشمرد (عسکری کرمانی و صفا، ۱۴۰۱: ۱۰۶).

البته این روند روبه‌رشد مراوده‌های تجاری به ناگهان در سال ۲۰۲۱ و هنگامی که کابل به تسخیر نیروهای طالبان درآمد و دولت قانونی آن کشور با فرار رئیس‌جمهور سقوط کرد، متوقف شد. ایران در دوران پیش از آنان، حدود ۴۰ درصد از بازار اقتصاد افغانستان را در اختیار داشت، حجم این مقدار صادرات در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹ میلادی) ۲/۷ تا ۲/۸ میلیارد دلار بود که با تسلط طالبان و پس از قطع سه‌ماهه مبادلات تجاری و باز شدن گمرکات دوغان، هرات و میلک ارتباط تجاری برقرار شد (اکو ایران، ۱۴۰۱).

تجارت میان دو کشور پس از یک توقف کوتاه دوباره از سر گرفته و شروع به رشد نمود و با وجود کاهش ۱۱ درصدی صادرات ایران در سال ۱۴۰۱ به نسبت سال پیش از آن به ۱/۶۳۴ میلیارد دلار رسید که پس از عراق، ترکیه و امارات این کشور با وجود حضور طالبان بر مسند قدرتش که با بحران شدید مالی روبرو بوده و غالب کارخانه‌های آن یا دچار رکودند

یا تعطیل (بخش زیادی از مواد خام و واسطه مورد نیاز کارخانه‌های صنعتی افغان‌ها از ایران تأمین می‌شود)، چهارمین مقصد صادرات کالاهای ایرانی بوده است (روحانی، ۱۴۰۲).

همان گونه که در مباحث پیشین بیان شد، امارت اسلامی افغانستان به صورت کلی هنوز به وسیله دیگر دولت‌ها به عنوان عضوی از جامعه جهانی و به عنوان جانشین قانونی دولت افغانستان پذیرفته نشده و معمولاً مراوده‌های تجاری رسمی میان دولت‌ها، نیازمند شناسایی آنها در حقوق و روابط بین‌المللی است. درباره ایران، این شناسایی با استقرار دیپلمات‌های طالبان در سفارتخانه آن کشور در تهران انجام شده و با اعلان نظر به بیانات وزیر امور خارجه ج.ا.ایران می‌توان این شناسایی را به صورت دفاکتو و موقت ارزیابی نمود.<sup>۱</sup> هیئت درهم‌تنیدگی بدون به رسمیت شناختن که در برخی مطالعات تخصصی از آن به عنوان "سیاست تعامل بین‌المللی با دولت‌های دفاکتو"<sup>۲</sup> یاد می‌شود، ناظر بر روابط غیررسمی میان یک دولت رسمی یا سازمان بین‌المللی با دولت‌هایی در عرصه روابط بین‌الملل است که به عنوان دولت رسمی به رسمیت شناخته نمی‌شوند. مکان‌هایی که به بیان حقوقی «وجود ندارند»<sup>۳</sup>، این مفهوم به طور عام دربرگیرنده ارتباط بین‌المللی متوازن و ضروری با حاکمیت‌های موقتی یا پایدار مستقر در مناطقی است که موجودیت‌های رسمی بین‌المللی آنها را به عنوان نمایندگان قانونی مردم آن منطقه به رسمیت نمی‌شناسند؛ اما برخی ملاحظات از جمله ضرورت‌های حل بحران، ضرورت‌های بشر دوستانه، الزامات هم‌جواری و همسایگی و امثال آن، موجب شده که در عمل روابط شبه دیپلماتیک با نمایندگان آن موجودیت سیاسی برقرار کنند» (عسکری کرمانی و صفار، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

۱. در این باره تضادهایی میان سخنان جناب وزیر در مورد شناسایی نشدن قانونی امارت اسلامی افغانستان و نوع روابط دیپلماتیک فی‌مابین آنها وجود دارد که در این مقاله، مجال پرداختن به آن نیست.

۲. The Politics of International Interaction With De-Facto States.

۳. Non-Existence

## نتیجه‌گیری

در مناسبات بین‌المللی اگر چه پیشینه تاریخی و همگونی‌های اقتصادی، فرهنگی و... نقشی بیبدیل در روابط دولت‌ها دارند؛ اما نباید منکر این اصل شد که در جهان امروزی آنچه برای دولت‌ها در عرصه روابط خارجی دارای اولویت است، منافع ملی کشورشان است. در کشورهای دارای حکومت‌های مردم‌سالارانه و مشروع، مأموران دولتی در برقراری روابط با دیگر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و به طور عام موجودیت‌های حقوقی، تأمین منافع ملی برایشان کمال اهمیت را دارد و می‌باید در چارچوب شرح وظایفی که در حقوق داخلی برای آنها تعریف شده، همچنین محدودیت‌هایی که حقوق بین‌الملل به‌ویژه مسئولیت‌های بین‌المللی و معاهده‌های منعقد بر آنها تحمیل میکند، به‌گونه‌ای رفتار نموده و برنامه‌های عملیاتی و اهداف معاهداتی خود را تدوین کنند که ضمن رعایت مؤلفه‌های مؤثر بر روابط خارجی کشورشان با دیگر نهادهای حقوق بین‌الملل از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و یا نهادهای شبه‌حقوقی در حقوق بین‌الملل مانند سازمان‌های برآمده از نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و گروه‌های مسلح یا غیرمسلح مسلط بر منطقه جغرافیایی مشخصی که می‌توان تمام یا بخشی از قلمرو سرزمینی دولت شناسایی‌شده پیشین باشد، بدون توجه به روابط دوستانه و یا خصمانه پیشین و صرفاً با توجه به وضعیت‌های موجود، منافع عمومی کشور را نیز تأمین نمایند.

ایران در بخش شرقی خود بیشترین مرز مشترک را با کشور افغانستان دارد که با توجه به تاریخ کوتاه، اما پر فراز و نشیب آنجا به‌عنوان یک کشور مستقل، از بدو تأسیس درباره موضوع‌هایی همچون تأمین حقایق ایران از هیرمند و برخی تنش‌های مرتبط با سرحدات مرزی و در چهل و اندی سال اخیر، به دلیل شرایط جنگی و اقتصادی ناشی از مخاصمات

مسلحانه داخلی و بین‌المللی، اختلاف‌ها و مزاحمت‌های بسیاری را به‌ویژه در مورد مسایل امنیتی برای کشور فراهم نموده که از دردناک‌ترین آنها به‌شهادت‌رساندن اعضای کنسولگری ایران در مزارشریف است. ولی با وجود همه این تنش‌ها و چالش‌های اجتماعی و امنیتی، این امر سبب نشده است تا روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دو کشور برای مدّت زمانی طولانی گسسته شود.

یکی از پایه‌ایترین عوامل پیوند و استمرار پیوندهای جوامع انسانی، تأمین نیازمندی‌های متقابل جوامع از همدیگر است که بر مبنای معاملات و روابط مبتنی بر ایجاد شرایط و وضعیت‌های یک بازی برد - برد قابل استمرار و تکثیر است. موضوعی که بی‌شک در روابط ایران - افغانستان نیز در طول دوران تاریخی پس از استقلال آن کشور از ایران، وجود داشته است. ایران به‌عنوان کشوری غنی به لحاظ ذخایر انرژی و امکان تولید و صادرات آنها، توانسته بیش از دیگر کشورها، نیازهای اقتصادی افغانستان را تأمین نماید و در بسیاری موارد، با وجود حضور شبه‌استعماری کشورهای قدرتمند شرقی و یا غربی در آنجا، صنعت و تولید ملی افغانی‌ها را با همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و صنعتی ارتقا دهد؛ موضوع‌هایی که همواره در روابط دو کشور حایز اهمیت خاصی بوده‌اند و در برابر آن، ایران نیز از برخی موادّ اولیه معدنی آن کشور بهره‌جسته و در دو مورد خاص، تأمین حقه‌ها رودخانه‌های مرزی و امنیت ملی کشور به‌ویژه در مناطق شرقی خود، از کمک‌های دولت‌ها و حکومت‌های متعدد افغانستان در مواقع خاصی بهره‌برده است.

حضور طالبان در شرایط منحصر به فرد کنونی بر مسند قدرت (با توجه به موضوع شناسایی امارت اسلامی افغانستان در حقوق و روابط بین‌المللی و استقبال نکردن جامعه جهانی از شناسایی دولت فعلی)، به‌ویژه در دورانی که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ مسایل بین‌المللی و نگاه ویژه‌اش به شرق، همچنین درگیری‌هایی که با کشورهای غربی بر روی موضوع‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای و تحریم‌های ایالات متحده دارد و در برخی از مسایل

امنیتی از جمله چالش‌های پی‌آمد حمله روسیه به اوکراین، تنش‌های کم‌وبیش غامضی با آنها پیدا کرده، شرایط را به‌صورت کلی و بنیادین با دوره پیشین قدرت‌گرفتن آنها در افغانستان متفاوت نموده است. در این شرایط، صرف‌نظر از شناسایی و یا شناسایی‌نشدن امارت اسلامی افغانستان به‌وسیله ایران، این دو نهاد حقوق بین‌الملل (یکی به‌عنوان دولت مستقر، دارای مشروعیت قانونی و رسمی در سطح بین‌المللی و دیگری به‌عنوان یک گروه شورشی پیروز در یک جنگ داخلی که هنوز موفق به تثبیت قانونی دولت خود در سطح جهانی نشده)، ناچار به ایجاد ارتباط با همدیگر هستند، مشکلات متعدد پناهندگان افغانی در ایران، قاچاق کالا و مواد مخدر در سرحدات مرزی، حقایق هیرمند، ناآشنایی و ناآگاهی مرزبانان طالبان که گاه و بیگاه، منجر به درگیری‌های کوتاه‌مدت شدید و ضعیف نیروهای مرزی دو کشور با هم می‌گردد؛ از یک سو نیاز ایران به تعامل و همکاری طالبان را طلب میکند و از سوی دیگر کمبودهای شدید کالاهای اساسی در افغانستان، نیاز مبرم آن کشور به تأمین انرژی اعم از انرژی‌های فسیلی و یا الکتریکی، وابستگی‌های تکنولوژیکی - فنی بسیاری از صنایع آنجا به متخصصان و مواد واسطه‌ای ایرانی، نزدیک‌تر، کم‌هزینه‌تر و امن‌تر بودن بهره‌گیری از خاک ایران برای دسترسی آن کشور به دریاهای آزاد نسبت به پاکستان و در نهایت نارسایی‌های مرتبط با امور آموزشی و سواد دیجیتالی در افغانستان با عنایت به همگونگی‌های زبانی از جمله شیوه نگارشی تا حدودی یکسان (اگر چه در افغانستان دو زبان پشتو و فارسی به‌عنوان زبان‌های رسمی معرفی شده‌اند، ولی طالبان بنا به مسایل ایدئولوژیکی تأکیدی جدی دارد تا زبان پشتو، تنها زبان رسمی آن کشور تلقی گردد)، مواردی هستند که نیاز امارت اسلامی افغانستان را به تعامل و همکاری با ایران به دنبال خواهد داشت.

از سویی دیگر جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۷۹ و با شروع تهاجم شوروی به آن کشور تاکنون که افغانستان مدام در حال نبردهای بین‌المللی، داخلی و یا دستکم حضور پرتعداد

نظامیان خارجی در خاکش بوده، ثابت کرده که در هر حالتی توان و قدرت تأمین امنیت ملی خود را بدون همکاری جدی دولتمردان افغانی داشته و در بدترین شرایط، توانسته از منافع خود در برابر بی‌ثباتی، دشمنی (کشتار نمایندگان کنسولی ایران در مزارشریف)، کارشکنی، انفعال و بی‌عملی و یا خطاهای سهوی و عمدی، همین‌طور ناپابندی حکومت‌های مستقر در خاک افغانستان به تعهدات معاهده‌ای و مسئولیت‌های بین‌المللی خود در برابر جمهوری اسلامی ایران، بدون نیاز به کشور - دولتی دیگر، دفاع نماید و به لحاظ اقتصادی نیز همواره در وضعیتی بوده که حتی در اوج تحریم‌ها، قطع روابط تجاری با افغانستان به شکلی ملی و عمومی امکان ایجاد اختلال در کشور را به همراه نداشته و در بسیاری مواقع، نیازمند ایجاد جایگزین‌های مؤثری برای رابطه تجاری - اقتصادی خود با این کشور نبوده است. اما از سوی دیگر دولت‌ها و حکومت‌های افغانستان همواره در روابط خود با ایران، ناچار به داشتن جایگزین‌های پرهزینه‌تری بوده‌اند. بهره‌نگرفتن از مسیر ترانزیتی "چابهار - مرکز افغانستان" آنها را ناگزیر به بهره‌گیری از مسیر دورتر، سخت‌تر و ناامن‌تر "کراچی - مرکز افغانستان" میکند که دولت پاکستان بر خلاف ایران، به‌گونه‌ای مداوم از آن به‌عنوان یک منبع فشار بر افغان‌ها بهره‌جسته است. بنابراین همان‌گونه که پاکستان از این ابزار (بستن جاده ترانزیتی کراچی به افغانستان) بارها به‌گونه موفقیت‌آمیز برای فشار بر دولت‌های افغانستان به ویژه امارت اسلامی، بهره‌برده، چنین تدابیری با توجه به ویژگی‌های محور ترانزیتی چابهار - افغانستان و پشتیبانی هند از این مسیر، می‌تواند برای ایران نیز مثمر‌تر باشد. گذشته از این، ارزان‌ترین محل تأمین انرژی به‌ویژه سوخت‌های فسیلی و بخش عمده‌ای از برق مناطق غربی افغانستان، مرزها و گمرکات شرقی ایران بوده که دسترسی‌نداشتن به آنها، چالش‌ها و اختلالات گسترده اقتصادی را برای افغان‌ها به همراه می‌آورد.

اگر چه ایران همواره از روی حسن نیت و جلوگیری از ایجاد تنش‌های سیاسی و امنیتی با همسایه شرقی خود (به جز در دوران اولیه امارت اسلامی در دهه ۱۹۹۰)، روابط دوستانه‌ای داشته و از اهرم‌های فشار خود که ساده‌ترین آنها را می‌توان ایجاد تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های اجتماعی (مانند بازگرداندن نظام‌مند پناهندگان افغانی)، اقدامات سیاسی - حقوقی (شناسایی نکردن دوفاکتو یا دوزوره حکومت‌های متعدد افغان در ۴۰ سال اخیر و یا مشارکت رسمی در ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه دولت مستقر در آن کشور) برشمرد؛ بهره نبرده، ولی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز نباید با نادیده گرفتن ابزارهای مؤثری که برای فشارهای سیاسی و حقوقی بر طالبان در دست دارد، در بازی‌های سیاسی - امنیتی اخیری که امارت اسلامی افغانستان در پیش گرفته، غفلت ورزد.

بهره‌گیری عادلانه ایران از مواهب منابع طبیعی مشترک به‌ویژه حَقَّابَة رودخانه‌های مرزی، جلوگیری از قاچاق انسان و موادّ مخدّر از خاک افغانستان به درون کشور، همکاری‌های اطلاعاتی - نظامی با ایران برای جلوگیری از ورود تروریست‌ها به داخل قلمرو سرزمینی، از جمله مطالبات و خواسته‌های ایران از طالبان است که تاریخ ثابت کرده، به‌راحتی می‌تواند به شکلی کاملاً یک‌جانبه از عهده آنها ولو با کارشکنی حکومت‌های مستقر در افغانستان برآید؛ اما این افغان‌ها هستند که بدون داشتن یک رابطه عادی و عادلانه با ایران، جایگزین‌های سخت، پرهزینه و گاه غیرممکنی را در پیش روی خود دارند؛ بنابراین در شرایطی که امارت اسلامی برخلاف تعهدات معاهده‌ای، عرفی و حقوقی از پرداخت حَقَّابَة سهم جمهوری اسلامی طفره می‌رود، در تأمین امنیت مرزی و جلوگیری از قاچاق انسان و موادّ مخدّر به داخل خاک ایران در بسیاری مواقع به سهو یا عمد کاهلی میکند و به سرحدات قانونی جمهوری اسلامی ایران بی‌اعتنایی می‌نماید، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از مهم‌ترین کارت بازی خود بهره برده و اقدام به ایجاد تحریم‌های اقتصادی و حتی اجتماعی علیه آن کشور نماید.

اگر در دوران وجود حکومت قانونی در آن کشور و با توجه به ارتباطاتی که با دول غربی به‌ویژه آمریکا داشتند، دسترسی به بازار ارزی هرات، کابل و... برای تأمین ارز موردنیاز ایران، بازگشودن مرزها و ایجاد ارتباطات تجاری با افغان‌ها می‌توانست تا حدودی گره‌گشا باشد و بخشی از ارز موردنیاز کشور را تأمین نماید، اما امروزه، دیگر چنین منفعتی برای ایران متصور نیست و شاید تنها خسارت این اقدام، پیامد رکود اقتصاد محلی در نقاط و گذرگاه‌های مرزی شرق کشور باشد که با عنایت به وجود مشاغل جایگزین در کشور و این که تحریم‌های اقتصادی کشورها علیه همدیگر هرگز دائمی نیستند، برای جمهوری اسلامی حتی در این شرایط تحریمی، با توجه به حجم و گستردگی زیادی که ندارند، قابل جبران باشد. از آنجاییکه امارت اسلامی در حال حاضر از نظر بین‌المللی شرایط یک دولت رسمی را ندارد که دیگر دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ فراملی و چندملیتی بتوانند با آن همکاری‌های مفید اقتصادی داشته باشند، برای رهبران طالبان از دست‌دادن روابط مالی - تجاری با ایران و بسته‌شدن مرزهای ایران بر روی نیازمندی‌های آن کشور بسیار پرهزینه خواهد بود، آن گونه که حاضر باشند، به‌ازای برقراری روابط تجاری و تأمین نیازمندی‌های مردم افغان، با ایران از در تعامل و همکاری‌های مفید و سازنده سیاسی - اقتصادی درآیند.

## منابع و مآخذ

- اسلامی، روح‌الله؛ سرحدی، رضا، و فیضی، مهدی (۱۳۹۸). راهبردهای دیپلماسی تأمین حقایق رودخانه هیرمند. فصلنامه راهبردهای سیاست. ۸(۳۰)، ۷۱-۱۰۳.
- آراسته، ابوالفضل؛ کهزازه، یاسر؛ صلاح، مهدی، و هاشمی باغی، زینب (۱۴۰۲). طراحی الگوی مطلوب مدیریت اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان با رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۴)، ۲۶۹-۳۰۴.
- <https://doi.org/10.22054/qps.2023.69436.3094>
- آقاجاری، محمدجواد و کریمی، مرتضی (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان. مطالعات بین‌المللی (پژوهش‌های روابط بین‌الملل)، ۸(۳۰)، ۵۷-۱۰۴.
- بی‌باک، شهرام (۱۳۹۸). جغرافیای تاریخی خراسان در ادوار تاریخ. شباک، ۵(۵۱)، ۷۷-۸۴.
- بینش، محمدوحید؛ انصاری، فاروق، و خلوصی، محمدحسین (۱۳۹۰). شیعیان افغانستان؛ روابط، جایگاه و جریان‌ات. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۷۰). سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- حمیدی، سمیه و یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۴). ایران و مسئله هرات و قندهار در دوره قاجار (طی سال‌های ۱۷۹۴-۱۸۵۶ م). فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۶(۶۴)، ۷۳-۹۷.
- حیدری، حسین، ستاره، جلال، کیانی، جواد و اصانلو، علی (۱۳۹۸). تأثیر رودخانه هیرمند و فراه رود بر امنیت اقتصادی منطقه مرزی نهبندان. فصلنامه علوم و فنون مرزی. ۸(۴)، ۲۳-۳۹.
- خسروآبادی، مریم و کریمی الوار، کیوان (۱۳۹۵). تأثیر دوگانه ورود اسلام به خراسان بزرگ از منظر تمدن ایرانی. فصلنامه خراسان بزرگ، ۷(۲۴)، ۲۹-۴۲.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، ۶(۱۵)، ۶۳-۸۶.

رنجبرزاده، جواد (۱۳۹۹). اینکوترمز در حقوق تجارت بین‌الملل. فصلنامه علمی - حقوقی  
قانون‌یار، ۴(۱۵)، ۷۲-۵۱

سینایی، وحید و جمالی، جواد (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در  
افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربست رویکرد اقتصاد نهادگرا). فصلنامه  
مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۸).

شیخ غفوری‌فرد، هادی و ببری گنبد، سکینه (۱۳۹۹). تبیین چگونگی غیرامنیتی‌سازی روابط  
ایران و افغانستان سال‌های (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹). فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان  
اسلام، ۲(۴)، ۴۹-۲۵

صدر، جواد (۱۳۹۲). حقوق دیپلماتیک و کنسول. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ  
سیزدهم.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش، چاپ  
شصت و پنجم.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۹). حقوق معاهدات بین‌المللی. تهران: گنج دانش، چاپ هفتم.  
طنین، ظاهر (۱۳۹۰). افغانستان در قرن بیستم ۱۹۰۰-۱۹۹۶. تهران: محمدابراهیم شریعتی  
افغانستانی (ناشر)، چاپ سوم.

عزیزی، ستار (۱۴۰۰). شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل.  
فصلنامه مطالعات بین‌الملل، ۱۸(۲(۷۰))، ۲۲-۷.

عسکری کرمانی، حامد و صفا، آرش (۱۴۰۱). پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی  
اقتصادی ایران در افغانستان. فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌الملل، ۱۴(۱)،  
۱۲۱-۹۷

Doi: 10.29252/piaj.2022.226471, 1228

عنابی، علیرضا (۱۳۹۱). هیئت اصول حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی با تأکید بر موقعیت  
حقوقی هیرمند. همایش ملی حقوق بین‌الملل در آینه علوم روز، جهاد دانشگاهی  
آذربایجان غربی، دوره ۱.

فرزانه پور، حسین و یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۶). تأملی انتقادی به چالش‌های امنیتی روابط اقتصادی ایران و افغانستان (۲۰۱۷-۲۰۰۱م). دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل. ۱۰(۲)، ۱۶۷-۱۹۲

میرعباسی، سید باقر و صیقلایی، زینب (۱۳۹۸). تجزیه‌پذیری و صور نوین کشورهای تازه‌تأسیس از منظر واحدهای جغرافیایی - سیاسی در عرصه نظام حقوقی بین‌الملل. فصلنامه نگرش‌های نوین در جغرافیای انسانی. ۱۲(۱)، ۴۷۷-۴۹۳.

[https://journals.iau.ir/article\\_۶۷۰۳۹۹.html](https://journals.iau.ir/article_۶۷۰۳۹۹.html)

والدهایم، کورت (۱۳۷۴). کاخ شیشه‌ای سیاست. ترجمه: عبدالرحمان صدریه (۱۳۷۴). تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم.

#### منابع اینترنتی

اکو ایران (۱۴۰۱). روند تجاری ایران و افغانستان. اکو ایران (تارنمای تصویر اقتصاد ایران). قابل دسترس در: <https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-۱۲۴۳۷> [بازیابی شده در ۱۸ خرداد ۱۴۰۲].

امیر عبداللهیان (۱۴۰۲). هیئت حاکمه فعلی افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسیم. خبرگزاری ایرنا. قابل دسترس در: <https://irna.ir/xjMxJq> [بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۲]

تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۸). گزارش سرنوشت شهید محمود صارمی و ۱۰ دیپلمات جمهوری اسلامی ایران در افغانستان. تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی. قابل دسترس در: <https://irdc.ir/fa/news/۵۱۰۰> [بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۲].

خبرآنلاین (۱۳۹۸). چرا ایران از حمله به افغانستان در دوره دولت اصلاحات منصرف شد؟ چند روایت از طرح فرمانده وقت سپاه برای حمله به هرات. خبرگزاری تحلیلی ایران (خبر آنلاین). قابل دسترس در: <https://www.khabaronline.ir/news/۱۲۸۴۸۲۵> [بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۲].

خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۱). بیانیه طالبان درباره ادامه فعالیت سفارت افغانستان در تهران. خبرگزاری ایرنا. قابل دسترس در: <https://irna.ir/xjLRmp> [بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۲].

خبرگزاری فارس (۱۴۰۱). مرزبان ایرانی بازداشت شده توسط طالبان آزاد شد. خبرگزاری فارس. قابل دسترس در: <https://www.farsnews.ir/af/news/14011208000859> [بازیابی شده در ۱۳ خرداد ۱۴۰۲].

روحانی، واجد (۱۴۰۲). صادرات ایران به افغانستان در دوران طالبان کاهش یافت. خبرگزاری ایندیپندنت فارسی. قابل دسترس در: <https://www.independentpersian.com/node/323766> [بازیابی شده در ۱۸ خرداد ۱۴۰۲].

## References

- Afganistan Embassies and Consulates (Mars ۲۳, ۲۰۲۳). EmbassyPages websit. Availabel at June ۳, ۲۰۲۳ on: <https://www.embassypages.com/afghanistan#:~:text=The%۲۰EmbassyPages%۲۰for%۲۰Afganistan%۲۰list,consulates%۲۰and%۲۰two%۲۰other%۲۰representation%۲۰s>.
- Aghajari, M.J. & Karimi, M. (۲۰۱۵). The role of regional actors in the process of Afghanistan state-building during the Taliban and post-Taliban era. *Studies of International Relations Journal*, ۸(۳۰), ۵۷-۱۰۴. (in Persian)
- Amir Abdullahian (۲۰۲۳). *We do not recognize the current ruling body of Afghanistan*. IRNA news agency. Available at: <https://irna.ir/xjMxJq> [Retrieved on June ۱۳, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Annabi, A. (۲۰۱۲). Board of principles governing international rivers with emphasis on Hirmand's legal position. *National Conference of International Law in the Mirror of Modern Sciences*, West Azerbaijan Academic Jihad. (in Persian)
- Arasteh, A., Kahraze, Y., Salah, M., & Hashemi baghi, Z. (۲۰۲۳). Designing an Optimal Model for Management of Afghan Immigrants in Sistan and Baluchistan Province: Data-based Theorizing Aapproach. *Political Strategic Studies*, 12(۴۴), ۲۶۹-۳۰۴. doi: ۱۰/۲۲۰۵۴/qps.۲۰۲۳/۶۹۴۳۶/۳۰۹۴. (in Persian)

- Askari Kermani, H. & Safa, A. (۲۰۲۲). Consequences of the re-emergence of the Taliban for Iran's economic diplomacy in Afghanistan. *Scientific Quarterly of Political and International Approaches*, ۱۴(۱), ۱۲۱-۹۷  
Doi: ۱۰.۲۹۲۵۲/piaj.۲۰۲۲,۲۲۶۴۷۱,۱۲۲۸. (in Persian)
- Azizi, S. (۲۰۲۱). Democratic Legitimacy Governments: From Theory to Practice. *The Journal of Human Rights*, ۱۶(۲), ۵-۲۸. doi: ۱۰/۲۲۰۹۶/hr.۲۰۲۱/۵۳۸۷۳۶/۱۳۶۶
- Azizi, S. (۲۰۲۱). Identifying the Islamic Emirate of Afghanistan (Taliban) from the perspective of international law. *International Studies Quarterly*. ۱۸(۲(۷۰)), ۲۲-۷. (in Persian)
- Bibak, Sh. (۲۰۱۹). Historical geography of Khorasan in historical periods. *Shabak*, ۵(۵۱), ۷۷-۸۴. (in Persian)
- Binesh, M.V., Ansari, F., & Khulusi, M.H. (۲۰۱۱). *Afghan Shiites; Relationships, position and currents*. Tehran: Noor Andishe Sazan Studies Institute. (in Persian)
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (۲۰۲۳). Soviet invasion of Afghanistan. *Encyclopedia Britannica*.  
<https://www.britannica.com/event/Soviet-invasion-of-Afghanistan>
- Brownlie, I. (۱۹۸۲). Recognition in Theory and Practice. *British Yearbook of International Law*. ۵۳(۱), ۱۹۷-۲۱۱ doi: ۱۰,۱۰۹۳/bybil/۵۳,۱,۱
- Diplomatic Bluebook ۲۰۱۷ (۲۰۱۷). Japanese Diplomacy and international Situation in ۲۰۱۶. Ministry of Foreign Affairs of Japan. Ministry of foreign affairs of Japan. <https://www.mofa.go.jp/files/۰۰۰۱۰۶۴۶۵.pdf>
- Echo of Iran (۲۰۲۲). *Business trend of Iran and Afghanistan*. Eco Iran (Iran's economy image website). Available at:  
<https://www.ecoiran.com/fa/tiny/news-۱۲۴۳۷> [Retrieved on June ۱۸, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Eslami, R., Sarhadhi, R., & Feizi, M. (۲۰۱۹). Diplomacy strategies to secure the rights of the Hirmand River. *Policy Strategies Quarterly*. ۸(۳۰), ۷۱-۱۰۳. (in Persian)
- Fars news agency (۲۰۲۲). *The Iranian border guard arrested by the Taliban was released*. Fars news. Available at:

- <https://www.farsnews.ir/af/news/۱۴۰۱۱۲۰۸۰۰۰۸۵۹> [Retrieved on June ۱۳, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Farzanehpour, H., & Yusuf Zahi, N. (۲۰۱۷). A critical reflection on the security challenges of economic relations between Iran and Afghanistan (۲۰۰۱-۲۰۱۷). *Bi-Quarterly Journal of Politics and International Relations*. ۱(۲), ۱۶۷-۱۹۲. (in Persian)
- Hamidi, S., & Yousefzehy, N. (۲۰۱۵). Qajar Iran and the Question of Herat and Kandahar (۱۷۹۴-۱۸۵۶ A.D). *Foreign Relations History*, ۱۶(۶۴), ۷۳-۹۷. (in Persian)
- Heydari, H., Setara, J., Kiyani, J. & Asanlo, A. (۲۰۱۹). The effect of Hirmand River and Farah Rood on the economic security of the Nehbandan border region. *Frontier Science and Technology Quarterly*. ۸(۴), ۲۳-۳۹. (in Persian)
- IRNA news agency (۲۰۲۲). *Taliban's statement about the continuation of the activities of the Afghan embassy in Tehran*. IRNA news agency. Available at: <https://irna.ir/xjLRmp> [Retrieved on June ۱۳, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Islamic Revolution Documents Center website (۲۰۱۹). *Report on the fate of Martyr Mahmoud Sarmi and 10 diplomats of the Islamic Republic of Iran in Afghanistan*. Islamic Revolution Documents Center website. Available at: <https://irdc.ir/fa/news/۵۱۰۰> [Retrieved on June ۱۳, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Khosrovabadi, M., & Karimi Alvar, K. (۲۰۱۶). The bilateral effect of entrance of Islam to grent khorasan from the perspective Iranian civilization. *Journal of Great Khorasan*, ۷(۲۴), ۲۹-۴۲. (in Persian)
- Larson, A., & Ramsbotham, A. (۲۰۱۸). *Incremental Peace in Afghanistan*. London: Conciliation Resources.
- Meley, W. (۲۰۰۲). *The Afganistan Wars*. New York: Palgrave Mecmilan.
- Mirabbasi, S.B., & Seigalaei, Z. (۲۰۱۹). Degradability and new forms of newly established countries from the point of view of geographical-political units in the field of international legal system. *Quarterly journal of new attitudes in human geography*. ۱۲(۱), ۴۷۷-۴۹۳.
- [https://journals.iau.ir/article\\_۶۷۰۳۹۹.html](https://journals.iau.ir/article_۶۷۰۳۹۹.html). (in Persian)
- Online news (۲۰۱۹). *Why did Iran desist from attacking Afghanistan during the period of the reform government? / A few stories about the plan of the*

- commander of the IRGC to attack Herat*. Iran Analytical News Agency (online news). Available at: <https://www.khabaronline.ir/news/۱۲۸۴۸۲۵> [Retrieved on June ۱۳, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Osman B. & Gopal A. (۲۰۱۶). Taliban views on a Future State. *Center on International Cooperation*. Available at: [https://www.academia.edu/۲۸۴۹۳۰۰۵/Taliban\\_Views\\_on\\_a\\_Future\\_State](https://www.academia.edu/۲۸۴۹۳۰۰۵/Taliban_Views_on_a_Future_State) [retrieved on May ۳۱, ۲۰۲۳].
- Pasanayagam, A. (۲۰۰۲). *Afghanistan: A Modern History*. New York: H.B. Taurist.
- Principles and Challenges. *LSE IDEAS, Strategic Update*. Available at: <https://www.lse.ac.uk/ideas/publications/updates/economic-diplomacy-in-the-۲۱st-century-principles-and-challenges> [retrieved on June ۷, ۲۰۲۳].
- Rahmani, M. (۲۰۱۵). Public diplomacy and foreign policy. *Globalization Strategic Studies Quarterly*, ۶(۱۵), ۶۳-۸۶. (in Persian)
- Ranjbarzadeh, J. (۲۰۱۹). Incoterms in international trade law. *Ghanonyar Scientific-Lawl Quarterly*, ۴(۱۵), ۵۱-۷۲. (in Persian)
- Resolution ۱۹۸۹ (۲۰۱۱) / adopted by the Security Council at its 6557th meeting on ۱۷ June ۲۰۱۱ Available at: <https://digitallibrary.un.org/record/۷۰۵۶۲۸?ln=en> [retrivied on ۳۱ may ۲۰۲۳].
- Rouhani, Wajid (۲۰۲۳). *Iran's exports to Afghanistan decreased during the Taliban era*. Independent Farsi news agency. Available at: <https://www.independentpersian.com/node/۳۲۳۷۶۶> [Retrieved on June ۱۸, ۱۴۰۲]. (in Persian)
- Rubin, B. R. (۱۹۹۷). *Afghanistan: The Last Cold-war Conflict, the First Post-cold War Conflict*. United Nations University, World Institute for Development Economics Research.
- Sadr, J. (۲۰۱۳). *Diplomatic and consular rights*. Tehran: Tehran University Press, ۱۳th edition. (in Persian)
- Sheikh Ghafourifard, H., & Babri Gonbad, S. (۲۰۲۰). Explaining how Iran-Afghanistan relations were made less secure in the years (۲۰۰۰ to ۲۰۱۹). *Quarterly journal of fundamental and applied studies of the Islamic world*. ۲(۴), ۲۵-۴۹. (in Persian)

- Sinaii, V. & Jamali, J. (۲۰۱۸). The economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Afghanistan and the management of water disputes between the two countries (using the approach of institutional economics). *Strategic Public Policy Studies Quarterly*, ۸(۲۸). (in Persian)
- Tanin, Z. (۲۰۱۱). *Afghanistan in the 20th century, 1900-1996*. Tehran: Mohammad Ibrahim Shariati Afghani (publisher), third edition. (in Persian)
- Thaghafi Ameri, N. (۱۹۹۱). *The United Nations is responsible for maintaining international peace and security*. Tehran: Bureau of Political and International Studies. (in Persian)
- Wallace, R.M. (۲۰۰۵). *International Law*. London: Sweet & Maxwell.
- Waldheim, K. (۱۹۸۵). *The glass palace of politics*. Translation: Abdur Rahman Sadrieh (۱۹۹۵). Tehran: Information Publications, ۴th edition. (in Persian)
- World Bank (۲۰۲۲). *Afghanistan Trades Summary ۲۰۱۹ Data (۲۰۲۲)*. Available at: <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/AFG/Year/LTST/Summary> [retrieved on ۳ June ۲۰۲۳].
- Yueh, Linda (۲۰۲۰). *Economic Diplmacy in the ۲۱st Century*.
- Zelin, Aaron Y. (۲۰۲۳). "Iran Fromalizes Ties With the Taliban". The Washington Institute for Near East Policy. Available at June ۳, ۲۰۲۳ on: <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/iran-formalizes-ties-taliban>
- Ziyai Bigdeli, M.R. (۲۰۱۹). *General International Law*. Tehran: Ganj Danesh, ۶۵th edition. (in Persian)
- Ziyai Bigdeli, M.R. (۲۰۱۹). *Laws of international treaties*. Tehran: Ganj Danesh, ۷th edition. (in Persian)